

نقش تنش روانی زنان در توزیع فضایی ناپایداری اقتصادی - اجتماعی روستاها

(مطالعه موردی: بخش مانه، شهرستان مانه و سملقان، استان خراسان شمالی)

سمیرا محمودی^۱ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مهدی پورطاهری - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۱۳ صص ۲۸۷-۳۱۰ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۸/۰۲

چکیده

در مناطق روستایی، زنان اغلب با دسترسی ضعیف به فرصت‌های شغلی، حمایت اجتماعی کمتر، مراقبت ناکافی از فرزندان، از حیث مشارکت در کارهای تولیدی همسر یا خانواده، مشکلات دستیابی به خدمات و حمل‌ونقل و غیره، دچار احساس محرومیت، نابرابری، ناامنی و در نتیجه استرس و تنش روانی می‌شوند. با توجه به این مسئله، پایداری اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیک - کالبدی مناطق روستایی در صورتی تحقق خواهد یافت که سکونتگاه‌های روستایی علاوه بر بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی، به لحاظ وجود امکانات، خدمات، زیرساخت‌ها و تأمین نیازهای اساسی، مردم به سطحی از سلامت و آرامش روانی دست یابد. در این پژوهش با رویکرد جغرافیایی و با روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی به بررسی استرس زنان روستایی و نقش آن در ناپایداری اجتماعی - اقتصادی روستاهای بخش مانه در شهرستان مانه و سملقان پرداخته شده است. با استفاده از مطالعات پیمایشی، نمونه‌گیری، ۲۴۰ زن از ۱۶ روستا به شیوه تصادفی انتخاب شد، نتایج حاکی از آن است که زنان نمونه در روستاهای مورد مطالعه بیشتر از استرس اجتماعی رنج می‌برند و همچنین در بین عوامل مکانی - فضایی عامل جمعیت، میزان تحصیلات، اشتغال و وضعیت تأهل با استرس رابطه معنادار داشته است. و نیز پس از رتبه بندی روستاها به

لحاظ پایداری این نتیجه بدست آمد که بین استرس زنان و ناپایداری روستاهای بخش مانه علی‌رغم وجود همبستگی معکوس، رابطه معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد. امروزه نفوذ و اثرات شهری، زندگی روستاییان را دگرگون ساخته، بطوریکه احساس نابرابری بین شهر و روستا، احساس خود کم بینی و ... باعث شده تا روستاییان بیش از پیش خلاء ناشی از کمبود امکانات و خدمات رفاهی و زرق و برق مناطق شهری را در روستا احساس کنند و در چالش برای داشتن رفاه و توسعه یافتگی بیشتر، تنش و استرس بیشتری را نیز تجربه کنند.

کلیدواژه‌ها: تنش روانی زنان، پایداری اقتصادی- اجتماعی و اکولوژیکی، سلامت، بخش مانه.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

در پارادایم جدید توسعه به‌ویژه توسعه روستایی، یکی از شاخص‌های مهمی که بر آن تأکید می‌شود، دست‌یافتن به رفاه و آرامش و نیز داشتن زندگی آرام و بدون فشار روانی (استرس) است. باتوجه به ماهیت جوامع روستایی که هنوز سیره و رفتارهای جوامع سنتی را حفظ کرده‌اند و تمایل دارند تا مشکلاتشان به‌صورت پنهان باقی بماند، این مسئله با گذشت زمان عواقب خود را آشکار خواهد ساخت. از بارزترین و مشخص‌ترین پیامدهای آن به‌ویژه در میان زنان و جوانان روستا، بروز افسردگی و نیز آسیب‌های اجتماعی است. نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که زنان دارای فشار روانی زیاد، تمایل بیشتری به حمایت خانواده‌هایشان دارند که این، زمینه‌ساز حمایت کمتر از سوی شریک جنسی، رضایت کمتر از زندگی، ثبات اندک و تناقض بیشتر در خانواده می‌شود (موری^۱ و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۶-۱۱۸). همچنین، تحقیقات نشان می‌دهد که زنان روستایی ممکن است وزن نامتناسبی از فشار روانی را تحمل کنند (برانن^۲ و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲۵). زنان با زندگی در مناطق روستایی، تجربه‌ای متفاوت از

1. Murry
2. Brannen

تبعیض و محرومیت دارند؛ زیرا، عهده‌دار فعالیت‌های اقتصادی‌ای هستند که منجر به کسب درآمد ملموس نمی‌شود و همین امر موجب می‌شود تا آن‌ها موقعیت اجتماعی - اقتصادی پایین‌تری نسبت به مردان داشته باشند و دسترسی و مالکیتشان بر منابع محدود شود. در مباحث مربوط به پایداری و توسعه پایدار، بر اهمیت سلامت روحی و روانی اقشار جامعه به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر جامعه نظیر کودکان، زنان و سالخوردگان بسیار تأکید شده است. به‌این ترتیب، بین «توسعه پایدار» و «سلامتی» (پریس^۱، ۱۹۹۷: ۲۶) رابطه معنادار وجود دارد؛ یعنی، هرچه میزان سلامتی در سطح یک جامعه کمتر باشد، تنش روانی در آن جامعه بیشتر خواهد بود؛ بنابراین، رابطه معنادار معکوسی بین «سلامتی و تنش روانی» (اسکات^۲، ۲۰۰۹: ۸۶) وجود دارد و با این رویکرد است که حامیان سلامت روستایی اغلب تأکید می‌کنند که ساکنان مناطق روستایی نسبت به ساکنان مناطق شهری، از نظر سلامتی در وضعیت وخیم‌تری به‌سر می‌برند. این مطلب اشاره به این نکته دارد که سکونت در مناطق روستایی به‌عنوان عامل خطر بالقوه‌ای برای روستاییان است (راه‌ر^۳ و همکاران، ۲۰۰۵: ۲)؛ بنابراین، یکی از مقوله‌های اجتماعی مهم که در معرض تأثیر مستقیم و غیرمستقیم فراگرد توسعه اقتصادی و نیز نابرابری درآمدی قرار می‌گیرد، وضعیت سلامت افراد جامعه است؛ از این‌رو، با توجه به این نیاز بر آن شدیم تا با انجام مطالعه‌ای بر روی زنان روستایی به‌عنوان اقشار آسیب‌پذیر جوامع روستایی، مهم‌ترین عوامل بروز استرس در آن‌ها را شناسایی کنیم و دریابیم که میزان استرس زنان تا چه حد در ناپایداری خانوارهای روستایی و نیز ناپایداری روستاها می‌تواند مؤثر واقع شود و به-عبارت دقیق‌تر، آیا بین میزان استرس زنان روستایی و ناپایداری خانوارهای روستایی و ناپایداری روستاها رابطه معناداری وجود دارد؟

در بخش نخست مقاله، مبانی نظری تبیین‌کننده تنش روانی زنان و نقش آن را در ناپایداری روستایی مطرح می‌کنیم. در بخش دوم مقاله، به روش‌شناسی تحقیق می‌پردازیم. در بخش سوم، یافته‌های تحقیق را ارائه می‌کنیم و در نهایت، در بخش چهارم، با توجه به یافته‌های

1. Price
2. Scott
3. Rohrer

به‌دست آمده، نتیجه‌گیری تحقیق را بیان می‌کنیم. به‌طورکلی، جهت‌گیری ما نگارندگان سبب شده است تا به بحث سلامت روستاییان به‌مثابه هدفی غایی در توسعه پایدار روستایی بپردازیم.

۲.۱. پیشینه تحقیق

در مقاله‌ای که موری^۱ و همکاران (۲۰۰۸) بر روی زنان و به‌طور خاص بر روی زنان شاغل آمریکایی - آفریقایی انجام دادند، چنین نتیجه گرفتند که پریشانی و مشکلات مالی تأثیراتی منفی بر عملکرد فیزیکی افراد می‌گذارد. در مقاله موردبحث پیشنهاد گردیده است که برای کاهش استرسورهای روان‌شناختی و احساسی زنان و نیز برای افزایش روابط شکننده آن‌ها، مکانیسم‌های مؤثری شناخته و به‌کار گرفته شوند. همچنین، در مطالعه‌ای که برانن^۲ و همکاران (۲۰۰۹) انجام دادند، بخش‌های گوناگونی را از جمله تأثیرات اولیه استرس و سلامتی بر تغییرات اجتماعات روستایی، تحقیق در رابطه با استرس و سلامت روستایی و تاحدودی شناخت سطوح استرس در مناطق روستایی، پوشش می‌دهد. در پژوهش موردبحث، مشخص شد استرسورهایی که غالباً روستاییان را متأثر می‌سازند، شامل ویژگی‌های فردی (شامل انزوا، بهداشت)، تنوع ارتباطات (سوءاستفاده و مباشرت)، خدمات بهداشتی، عوامل بیکاری (تشکیل مجدد حکومت، فقدان درآمد ثابت)، حمل‌ونقل، مسکن و نگرانی‌های جامعه (فقدان سرمایه اجتماعی با زیرساخت‌ها) هستند.

شاهسوندی‌الاصل (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «ارزیابی عوامل استرس‌زای کشاورزان روستایی و تحلیل تفاوت‌های فضایی و مکانی آن» که کشاورزان روستایی شهرستان استهبان را مطالعه کرده است، عوامل مؤثر بر استرس کشاورزان را شناسایی نموده است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد عوامل طبیعی و اقتصادی نقش بیشتری در بروز استرس کشاورزان روستایی استهبان داشته‌اند و نیز بین عوامل استرس‌زای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فضایی و مکانی تفاوت معناداری وجود دارد.

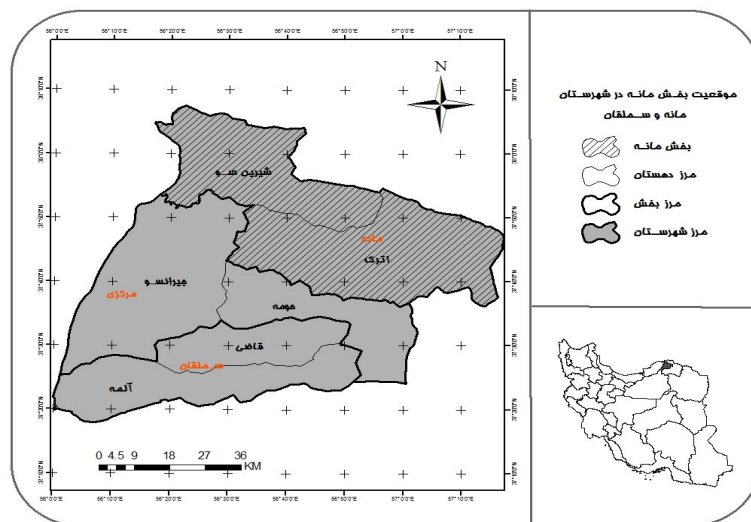
1. Murry
2. Brannen

در پژوهشی که در قالب مقاله لپس کمب^۱ و همکاران (۲۰۰۷) با عنوان «علائم افسرده‌کننده در میان زنان شاغل در روستاهای شمال کالرینا» انجام دادند، نشان دادند که شیوع عوامل افسرده‌کننده بیشتر در میان کسانی که حمایت اجتماعی کمتر، شرایط کاری پرخطر، ناامنی شغلی و سطوح بالاتر فشارهای محیطی دارند، مشاهده می‌شود. آن‌ها بیان کردند که شیوع افسردگی در روستاها بیشتر در میان زنان مجرد، زنان با تحصیلات بسیار پایین و زن‌هایی که به‌عنوان نان‌آور خانه محسوب می‌شوند و از درآمد خانوادگی کمتری برخوردارند، دیده می‌شود؛ این زنان در صورت دریافت دستمزد ناچیز، در دوره زمانی کوتاهی دچار سختی و فشار روانی زیادی می‌شوند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. قلمرو جغرافیایی تحقیق

منطقه مورد مطالعه در این تحقیق بخش مانه واقع در شهرستان مانه و سملقان (استان خراسان شمالی) است که بین $55^{\circ}30'$ تا $55^{\circ}15'$ طول جغرافیایی و $37^{\circ}35'$ تا $38^{\circ}54'$ عرض جغرافیایی قرار دارد. براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، این بخش ۷۲ روستا و ۲۶۴۵۹ نفر جمعیت در قالب ۵۸۰۸ خانوار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). شکل (۱) موقعیت بخش مانه در شهرستان مانه و سملقان را نشان می‌دهد:



شکل ۱- موقعیت بخش مانه در شهرستان مانه و سملقان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۲.۲. روش تحقیق

باتوجه به آنچه گفته شد، هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر استرس زنان، تبیین نقش استرس زنان در ناپایداری روستاها و نیز تبیین چگونگی توزیع فضایی استرس زنان در روستاهای مورد مطالعه است. حوزه مطالعاتی محققان، بخش مانه است که در شهرستان مانه و سملقان واقع می‌باشد. با در نظر گرفتن اهداف یادشده، سؤال‌هایی مطرح می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر استرس زنان در روستاهای بخش مانه کدام‌اند؟
۲. توزیع فضایی استرس زنان در روستاهای بخش مانه چگونه است؟
۳. آیا استرس زنان در ناپایداری روستاهای بخش مانه مؤثر است؟

در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و همبستگی است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و نیز میدانی از طریق طراحی پرسش‌نامه است که به سنجش میزان تنش روانی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه می‌پردازد. حجم نمونه به صورت نمونه‌گیری

تصادفی با احتساب ویژگی‌هایی نظیر میزان جمعیت روستاها، وضعیت طبیعی روستا و نیز دوری و نزدیکی به شهر تعیین شد که در مجموع، تعداد ۲۴۰ زن از ۱۶ روستا انتخاب شدند.

۳.۲. متغیرها و شاخص‌های تحقیق

برای سنجش متغیرهای تحقیق، گویه‌هایی طراحی شدند که شاخص‌ها و گویه‌های به‌کارگرفته‌شده در تحقیق حاضر در جدول (۱) نشان داده شده‌اند:

جدول ۱- شاخص‌ها و گویه‌های استرس و پایداری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

پایداری	استرس	ابعاد	مؤلفه‌های استرس و پایداری
میزان درآمد برای تأمین هزینه‌ها، هزینه‌های اقتصادی، فرصت‌های شغلی، ثبات اقتصادی	نوسانات قیمت محصولات کشاورزی و باغی، بیمه محصولات کشاورزی و باغی، شرایط بازار فروش محصولات کشاورزی و باغی، پیش‌فروش محصولات کشاورزی و باغی، ارتباط با دلالتان محصولات کشاورزی و باغی، ارتباط با دولت برای فروش محصولات، زمان و پول کافی برای سرگرمی و اوقات فراغت، حد و حدود مزرعه و حریم ملک، قطعه‌قطعه شدن زمین‌های کشاورزی، تجاری‌نبودن محصولات کشاورزی و باغی، هزینه‌های اقتصادی، نبود محل نگهداری محصولات کشاورزی و باغی، بیماری دام‌ها.	اقتصادی	
کیفیت سلامت، مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، برون‌گرایی و تعامل اجتماعی، امید به آینده، احساس خوشبختی، مسئولیت‌پذیری، همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس محرومیت، میزان رضایت از عملکرد نهادهای دولتی، میزان رضایت از دسترسی به خدمات، میزان رضایت از کیفیت ارائه خدمات.	مشکلات با والدین، مشکلات با همسر، نگرانی از طلاق یا جدایی از همسر، موازی‌کاری و مسؤولیت‌های خانه، کاهش کمک در فعالیت کشاورزی، نگرانی مربوط به آینده فرزندان، نداشتن حقوق بازنشستگی در سنین پیری، نزاع با همسایگان کشاورز، ساعات کار طولانی در مزرعه، ترس از بیماری در زمان فعالیت کشاورزی، ترس از دزدی محصولات و حمل آن به خانه، مراجعات مسؤولان خدمات کشاورزی، نداشتن امنیت شغلی.	اجتماعی	
میزان رضایت از مسکن، موقعیت قرارگیری روستا نسبت به جاده موقعیت استقرار روستا، خدمات روستا، میزان فاصله روستا	گرم و سرد شدن بیش از اندازه هوا، بارشهای ناگهانی و نامنظم، آفات و بیماریهای کشاورزی، خشکسالی و کاهش آب چاهها و شوری آب چاه و قنوت، حمله حیوانات وحشی، فرسایش و از بین رفتن و کاهش حاصلخیزی خاک، مشکلات و مسائل مواجهه با علفهای هرز، سوانح طبیعی از قبیل سیل، زلزله، تگرگ، وزش باد و طوفان، دسترسی به خدمات، تعمیرات و خرید، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، دسترسی به جاده اصلی، مرکز دهستان یا شهرستان، میزان فاصله و دسترسی به مراکز خدمات کشاورزی، دسترسی به وسایل نقلیه، از بین رفتن زمینهای کشاورزی و باغات در اثر عبور لوله گاز یا جاده	اکولوژیک- کالبدی	

۳. مبانی نظری تحقیق

اصطلاح «تنیدگی» یا «استرس» دربرگیرنده رفتارهایی است که می‌توانند با احساسات متضاد همراه باشند. در تعریف دیگر آمده است که استرس عبارت است از انتظار یا فشاری که بر خودمان وارد می‌سازیم که منجر به احساس عذاب، اندوه یا ناراحتی می‌شود؛ این انتظار یا فشار را غالباً «استرسور» می‌نامند. استرسورها می‌توانند بیرونی و خارجی (شرایط فیزیکی ناسازگار یا محیط‌های روان‌شناختی پراسترس) یا درونی و داخلی (فیزیکی یا روان‌شناختی) باشند و نیز ممکن است به‌عنوان استرس‌های کوتاه‌مدت (حاد و بحرانی) یا بلندمدت (مزمن) تعریف شوند (لابلی^۱ و همکاران، ۲۰۰۴: ۵). تقاضاهای بسیار زیادی که استرسورهای چندگانه برای اشخاص به‌وجود می‌آورند، سبب کاهش کنترل آن‌ها در زندگی شخصی‌شان می‌شوند (موری و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۱۸). شواهد حاکی از آن است که امروزه اصطلاح «استرس روستایی» (برانن و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲۵) در سراسر جهان نه‌تنها به‌طور فضایی، بلکه به‌لحاظ علمی، به‌صورت یک بعد در درون مباحث سلامت قرار گرفته است؛ به‌طور مثال در سال‌های اخیر، کتاب‌های درسی و رساله‌های جغرافیایی بخشی را به سلامت روستایی (باید و پار^۲، ۲۰۰۸: ۳) اختصاص داده‌اند که اشاره دارند به اینکه «برای بسیاری از روستاییان، زندگی می‌تواند تجربه پرتنش و پردغدغه‌ای باشد» (پرایس و ایوانز^۳، ۲۰۰۹: ۲). در ارتباط با تعریف تنش روانی در محیط روستا، بچراچ^۴ یکی از صاحب‌نظرانی است که ابعاد مختلف روستا را در ارتباط با بهداشت روانی روستاییان بررسی کرده و در ۵ مقوله دسته‌بندی نموده است که عبارت‌اند از: ۱. عوامل غیراجتماعی؛ ۲. عوامل جمعیتی؛ ۳. عوامل اقتصادی- اجتماعی؛ ۴. عوامل میان‌فردی؛ ۵. عوامل ایدئولوژیک. وی بیان می‌کند که تمامی این مقوله‌ها در ارتباط با یکدیگر هستند. همچنین، بچراچ می‌گوید نیروهای طبیعی و عوامل وابسته به محیط طبیعی، چه قابل انتظار و چه غیرقابل انتظار، در رفتار روستاییان تأثیر می‌گذارند. این فرایند سبب

-
1. Lobley
 2. Boyd & Parr
 3. Price & Evans
 4. Bachrach
 5. interpersonal

افزایش استرس‌های چندگانه در روستاییان می‌شود و بر فشار روانی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (فیلو^۱ و همکاران، ۲۰۰۳: ۲۶۸-۲۶۷). همچنین، مطالعات نشان می‌دهد شیوع علائم افسرده‌کننده و استرس بیشتر در میان کسانی که از حمایت اجتماعی کمتر، شرایط کاری پرخطر، ناامنی شغلی و سطوح بالاتری از فشارهای محیطی برخوردار هستند، مشاهده می‌شود (لیپس کمب و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۹۵)؛ بنابراین، مشاهده می‌شود که دو عامل «stress» و «distress» (واستون و پنیبکر^۲، ۱۹۸۹: ۲۳۵؛ یاکوب^۳ و همکاران، ۱۹۹۷: ۲۷۶؛ هاوتون^۴ و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۶؛ پرایس و ایوانز^۵، ۲۰۰۹: ۳) کاملاً به یکدیگر وابسته هستند و تداوم تنش و استرس در افراد، منجر به بروز پریشانی و افسردگی در آن‌ها می‌شود. در این میان، مناطق روستایی به لحاظ ساختار اکولوژیک (طبیعی و انسانی) آن، در معرض بیشترین خطرات ناشی از کمبود بهسازی محیط، دسترسی نامطمئن به آب آشامیدنی سالم، تغذیه ناکافی، غذای ناسالم، مسکن و سرپناه نامناسب و مصرف بی‌رویه مواد شیمیایی در فعالیت‌های کشاورزی، بیکاری، میزان کم تحصیلات، کم‌تحركی، اعتیاد و مصرف سیگار در برخی از مناطق و بالاخره برخی از شیوه‌های ناسالم زندگی هستند که این موارد، زمینه‌ساز تنش و پریشانی جسمی (لورنز^۶ و همکاران، ۱۹۹۳: ترنر^۷، ۲۰۰۷) در افراد این مناطق می‌باشند. گرگوری^۸ و تورنیکرافت^۹، مواردی از قبیل تراکم جمعیت، محیط فیزیکی و اجتماعی و کاربری اراضی را به‌عنوان استرس‌های دیگری که می‌توانند روستا را احاطه کنند، معرفی می‌کنند؛ به این معنا که در بخش‌های دیگری از تحقیقات روستایی، تحقیقات مربوط به سلامت روانی روستاییان ضروری می‌باشد و هشدار است برای توجه به اینکه در درون هر یک از بخش‌های روستایی سطح زمین، جنبه‌ها و ابعاد مختلفی از مکان روستا ممکن است زمینه‌ساز بروز تنش‌هایی در افراد شوند. (فیلو و همکاران،

-
1. Philo
 2. Waston & Pennebaker
 3. Jacob
 4. Howton
 5. Price & Evans
 6. Lorenz
 7. Turner
 8. Gregoire
 9. Thornicroft

۲۰۰۳، ۲۶۸-۲۶۷؛ بچراچ^۱، ۱۹۸۳: ۲۱۶؛ بچراچ، ۱۹۸۵: ۲۶؛ گرگوری و تورنیکرافت، ۱۹۹۸: ۲۷۴). به‌طور کلی، مهم‌ترین عوامل تنش‌زا برای افراد جامعه به‌ویژه جوامع روستایی، شامل انزوای بحران روابط شخصی، ناامیدی، ناتوانی، فقدان جایگزینی مسائل و مشکلات مالی، فشار کاری زیاد، بیماری و عجز و ناتوانی، احترام و ارزش پایین به خود و مواردی از این قبیل می‌شود. در ارتباط با تنش روانی زنان تاکنون ابعاد مختلفی ارائه شده است. زنان و مردان تجربه متفاوتی از استرس دارند. تمرکز غالب بر گروه‌های شغلی منجر شده است تا تجربه زنان از استرس مورد غفلت واقع شود؛ تا آنجایی که شواهد موجود سطوح بالاتری از استرس را در میان زنان نشان می‌دهند (لابلی و همکاران، ۲۰۰۴: ۳). جکوب بر این باور است که نواحی روستایی، به‌لحاظ اقتصادی عموماً فقیر هستند؛ به‌ویژه زنان و کودکان در نواحی روستایی به‌دلیل فقر اقتصادی با استرس‌های بیشتری مواجه هستند و شرایط استرس‌زای بیشتری را تجربه می‌کنند (یاکوب و همکاران، ۱۹۹۷). این شرایط می‌توانند در ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی تأثیرگذار باشند. همان‌طور که می‌دانیم، قلمرو پارادایم توسعه پایدار، تنها به حفاظت از محیط‌زیست طبیعی یا حیات‌وحش محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل مفاهیمی نظیر شهر، روستا، انرژی، عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نیز می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر، در ادبیات پایداری و توسعه پایدار، اجتماع و جامعه به‌طور وسیع به‌عنوان عناصر اساسی قلمداد می‌شوند. در واقع، با ترکیب ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و محیطی، سه عنصر مهم پایداری شکل می‌گیرند (اسکات^۲ و همکاران، ۲۰۰۰: ۴۳۳) و همه‌زوایای زندگی انسان امروزی و نسل‌های آینده را دربر می‌گیرند. از دهه ۱۹۷۰ میلادی، مسائل مربوط به شرکت همه‌جانبه زنان در فرایند برنامه‌های توسعه ملی به‌تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی شد و تا سال ۱۹۸۰، بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به‌وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند. تمامی این تلاش‌ها سعی در آگاه‌ساختن مردم از پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان (که پیش از این از نظرها پنهان بود) در توسعه کشور و محل زندگی داشت؛ زیرا، هیچ برنامه-

1. Bachrach
2. Scott

ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد شد (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۴). کاهش تنش‌های اجتماعی، شیوه سازمان‌دهی سازگار با شرایط اجتماعی، رعایت برابری برای ناتوانان، زنان و گروه‌های نژادی، قومی - مذهبی، حقوق انسانی، رضایتمندی از خدمات در دسترس، آموزش و آگاهی‌های زیست‌محیطی، بهداشت و درمان و سرپناه مناسب برای همه، ترویج نقش خانواده و اجتماعات، حقوق سیاسی و مشارکت و ترویج ارزش‌های اجتماعی، از محورهای اصلی این بعد از توسعه پایدار هستند. با توجه به آنچه گفته شد، اگر توسعه را فرایندی اقتصادی - اجتماعی و اکولوژیک بدانیم، آنگاه علاوه بر مؤلفه‌های اقتصادی مانند رشد اقتصادی، توجه به جنبه‌های اجتماعی توسعه نظیر سلامت و نابرابری و نیز روابط بین این مؤلفه‌ها ضروری است. در واقع، می‌توان گفت مقوله - های توسعه اقتصادی، نابرابری درآمدی و سلامت، با یکدیگر تعامل نزدیک دارند؛ به طوری که با توسعه اقتصادی و کاهش نابرابری درآمدی، درآمد قابل دسترس افراد و خانوارها افزایش می‌یابد و از طریق سلامت افراد جامعه تأمین و ارتقاء می‌یابد و به علاوه، افزایش سلامت افراد جامعه زمینه‌های لازم را برای توسعه اقتصادی جامعه فراهم می‌آورد. براساس تعریف سازمان جهانی بهداشت^۱، سلامتی عبارت است از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی فرد و نه فقط نبود بیماری و معلولیت. با توجه به این تعریف، سلامت دارای ابعاد فیزیکی، روانی، اجتماعی و اکولوژیک است که تحت تأثیر محیط اجتماعی، اقتصادی و زیستی قرار می‌گیرد (باباخانی، ۱۳۸۷: ۲۴۰). مفهوم سلامت به معنای امروزی آن، شامل تعادل و هماهنگی تمامی امکانات جسمی، روانی، اجتماعی و اکولوژیک زندگی همراه با شادی، کارآیی، اعتدال و مقاومت در برابر فشارها و عوامل خارجی می‌شود. با این رویکرد است که سازمان بهداشت جهانی علاوه بر توجه دادن مسئولان کشورها به لزوم تأمین سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و محیطی افراد جامعه، همواره بر این نکته تأکید دارد که هیچ‌یک از این سه بعد بر دیگری برتری ندارند. بنابر آنچه ذکر شد، می‌توان گفت از گذشته تاکنون، ارتباط توسعه و سلامت چالش‌های متعددی داشته‌اند. واقعیت این است که «جغرافیای سلامت و بهداشت» (دراک^۲، ۲۰۰۵: ۸۶)

1. WHO
2. Draak

به‌عنوان یک زیرمجموعه فعال، در مرز باریک بسیاری از علوم اجتماعی و پزشکی در حال فعالیت است. و سرانجام باید گفت موضوع سلامت زنان (برحان^۱ و همکاران، ۲۰۰۱) به صورت نیازی خارج از چارچوب بهداشتی زنان تنها بر روی بهداشت تناسلی (مولد) آن‌ها مطالعات نشان می‌دهد، خدمات بهداشتی زنان تنها بر روی بهداشت تناسلی (مولد) آن‌ها متمرکز است و نیازهای بهداشتی وسیع‌تر زنان روستایی را فراهم نمی‌کند. شکل زیر مدل مفهومی تحقیق را نشان می‌دهد:



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. ویژگی‌های فردی نمونه‌های مورد مطالعه

از گروه زنان مورد مطالعه، ۳۶/۳٪ در گروه سنی ۳۰-۱۵ سال، ۵۶/۷٪ در گروه سنی ۵۰-۳۰ سال و ۷٪ بالای ۵۰ سال هستند. به لحاظ تأهل نیز ۸۷٪ جامعه نمونه، متأهل، ۱۳٪ مجرد و ۴۸/۷٪ از زنان بیسواد می‌باشند. همچنین، زنان خانه‌دار با ۹۴/۵٪، بیشترین تعداد را شامل می‌شوند و سپس، زنان کارمند با ۰/۴۲٪ هستند و ۵/۴ درصد از افراد نیز شغل خود را در سایر گروه‌های شغلی ذکر کرده‌اند.

۴.۲. میانگین استرس زنان روستایی

نتایج تحقیق مندرج در جدول (۲) نشان می‌دهد براساس آزمون فریدمن، از آنجایی که میزان سطح معناداری کوچک‌تر از آلفا ۰/۰۵ است، بین میانگین استرس‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی زنان نمونه، تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین رتبه‌ای محاسبه شده انواع استرس بیانگر این است که به ترتیب، استرس اجتماعی با میانگین ۲/۸۲، استرس محیطی با میانگین ۲/۱۲ و استرس اقتصادی با میانگین ۱/۰۵، بیشترین تا کمترین میزان استرس را در بین زنان جامعه نمونه داشته‌اند.

جدول ۲- معناداری سطح تفاوت انواع استرس زنان روستایی براساس آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

انواع استرس	تعداد نمونه	انحراف معیار	میانگین عددی	میانگین رتبه‌ای فریدمن
اقتصادی	۲۴۰	۰/۸۳	۰/۹۱	۱/۰۵
اجتماعی	۲۴۰	۰/۸۳	۲/۲۰	۲/۸۲
محیطی	۲۴۰	۰/۹۷	۱/۷۷	۲/۱۲
کای دو	۳۷۷/۶۵۵			
درجه آزادی	۲			
سطح معناداری	۰/۰۰۰			

همچنین، خروجی حاصل از آزمون Tukey نشان می‌دهد از نظر انواع استرس، جامعه مورد مطالعه در سه طبقه جای خواهد گرفت.

جدول ۳- طبقه‌بندی انواع استرس زنان براساس آزمون Tukey

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

طبقه‌بندی برای آلفا ۰/۰۵			سطح معناداری	تعداد نمونه	انواع استرس
استرس اجتماعی	استرس محیطی	استرس اقتصادی			
۲/۱۹	۱/۷۷	۰/۹۱	۱/۰۰۰	۲۴۰	اقتصادی
			۱/۰۰۰	۲۴۰	اجتماعی
			۱/۰۰۰	۲۴۰	محیطی

به این ترتیب می‌توان استنباط نمود که با توجه به تحلیل آماری نتایج حاصل از عوامل مؤثر بر بروز استرس در زنان روستایی، نقش عوامل اجتماعی در بروز استرس بیش از سایر عوامل مؤثر است و بنابراین، فرضیه H_1 را نمی‌توان به نفع فرضیه H_0 رد کرد.

۳.۴. استرس زنان روستایی و عوامل مکانی- فضایی

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، بین استرس زنان و میزان جمعیت، رابطه معنادار از نوع مستقیم ناقص وجود دارد؛ یعنی با افزایش جمعیت روستا، میزان استرس در زنان نیز افزایش می‌یابد:

جدول ۴- رابطه استرس زنان با توزیع مکانی- فضایی استرس براساس آزمون همبستگی پیرسون

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

شرح	تعداد نمونه	میزان همبستگی	سطح معناداری
میزان جمعیت	۱۶	۰/۵۹۴	۰/۰۱۵
میزان فاصله از شهر	۱۶	۰/۱۵۶	۰/۵۶۳
میزان خدمات	۱۶	۰/۴۶۷	۰/۰۶۸
موقعیت استقرار روستا	۱۶	-۰/۲۶۸	۰/۳۱۵
موقعیت قرارگیری روستا نسبت به جاده اصلی	۱۶	-۰/۰۱۲	۰/۹۶۴

همچنین، با استناد به نتایج جدول (۵) می‌توان بیان کرد بین عامل جمعیت و میزان خدمات با استرس اجتماعی زنان نمونه نیز رابطه معنادار وجود دارد؛ یعنی با افزایش خدمات و میزان جمعیت، میزان استرس اجتماعی زنان افزایش می‌یابد:

جدول ۵- رابطه استرس اجتماعی با توزیع مکانی- فضایی استرس در جامعه نمونه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

شرح	تعداد نمونه	میزان همبستگی	سطح معناداری
میزان جمعیت	۱۶	۰/۶۲۷	۰/۰۰۹
میزان فاصله از شهر	۱۶	۰/۲۵۹	۰/۳۳۲
میزان خدمات	۱۶	۰/۵۲۰	۰/۰۳۹
موقعیت استقرار روستا	۱۶	-۰/۳۶۴	۰/۱۶۶
موقعیت قرارگیری روستا نسبت به جاده اصلی	۱۶	-۰/۰۶۹	۰/۷۹۹

درنهایت، نتایج حاصل از جداول (۶) و (۷) مبنی بر وجود رابطه بین استرس اقتصادی و استرس محیطی با عوامل مکانی- فضایی نشان می‌دهد فقط عامل جمعیت دارای رابطه معنادار با استرس‌های ذکر شده است:

جدول ۶- رابطه استرس اقتصادی با توزیع مکانی- فضایی استرس در جامعه نمونه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

شرح	تعداد نمونه	میزان همبستگی	سطح معناداری
میزان جمعیت	۱۶	۰/۴۹۸	۰/۰۵۰
میزان فاصله از شهر	۱۶	۰/۰۴۷	۰/۸۶۲
میزان خدمات	۱۶	۰/۳۴۶	۰/۱۸۹
موقعیت استقرار روستا	۱۶	-۰/۱۸۹	۰/۴۸۲
موقعیت قرارگیری روستا نسبت به جاده اصلی	۱۶	۰/۱۰۷	۰/۶۹۲

جدول ۷- رابطه استرس محیطی با توزیع مکانی - فضایی استرس در جامعه نمونه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

شرح	تعداد نمونه	میزان همبستگی	سطح معناداری
میزان جمعیت	۱۶	۰/۶۱۰	۰/۰۱۲
میزان فاصله از شهر	۱۶	۰/۱۶۶	۰/۵۳۹
میزان خدمات	۱۶	۰/۴۹۲	۰/۰۵۳
موقعیت استقرار روستا	۱۶	-۰/۲۶۳	۰/۳۲۵
موقعیت قرارگیری روستا نسبت به جاده اصلی	۱۶	-۰/۰۴۸	۰/۸۵۹

۴.۴. طبقه‌بندی روستاها از نظر میزان استرس

نتایج به دست آمده از طبقه‌بندی خوشه‌ای روستاهای نمونه به لحاظ میزان استرس (روستاهای با میزان استرس بالا، روستاهای با میزان استرس متوسط و روستاهای با میزان استرس کم)، نشان می‌دهد ۷ روستا در طبقه اول، ۴ روستا در طبقه دوم و ۵ روستا در طبقه سوم قرار می‌گیرند. در این میان، روستای کوشکی ترکمن با میانگین ۱۸۱/۸۲ دارای بیشترین میزان استرس و روستای ارناره با میانگین ۵۲/۴۶ دارای کمترین میزان استرس هستند.

جدول ۸- طبقه‌بندی روستاهای نمونه از نظر میزان استرس

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

شرح	روستاها	میانگین استرس
روستاهای با استرس کم	ارناوه	۵۲/۴۶
	امین‌آباد	۵۶/۶۷
	میرزاعباس	۷۱/۱۳
	چهارباغ	۶۵/۴۰
	الله‌قلی	۵۶/۸۰
	حاج‌حسین	۶۲/۹۳
	چهل‌گذر	۶۲
روستاهای با استرس متوسط	خرمده غربی	۱۵۴/۴۷
	محمدآباد	۱۶۰/۶۰
	علی‌آباد قره‌چای	۱۵۰/۵۳
	خرتوت	۱۶۵/۴۰
	عشق‌آباد	۱۷۵/۲۰
روستاهای با استرس بالا	کوشکی ترکمن	۱۸۱/۸۷
	دشتک سفلی	۱۷۰/۲۷
	یموق	۱۷۹/۴۷
	کهنه‌جلگه	۱۷۰/۶۰

۴.۵. طبقه‌بندی روستاها به لحاظ شاخص پایداری

نتایج به دست آمده از طبقه‌بندی خوشه‌ای روستاهای نمونه از حیث شاخص پایداری (روستاهای با پایداری بالا، روستاهای با پایداری متوسط و روستاهای با پایداری کم)، نشان می‌دهد تنها روستای ارناوه در طبقه اول، ۳ روستای علی‌آباد قره‌چای، یموق و کهنه‌جلگه در طبقه دوم و نیز روستاهای خرمده غربی، محمدآباد، عشق‌آباد، کوشکی ترکمن، دشتک سفلی، امین‌آباد، میرزاعباس، الله‌قلی، چهل‌گذر، چهارباغ، خرتوت و حاج‌حسین در طبقه سوم جای می‌گیرند. در این میان، روستای ارناوه با میانگین ۹۳۵ دارای بیشترین میزان پایداری و روستای

امین‌آباد با میانگین ۳۲۵/۷۰ دارای کمترین میزان پایداری هستند. جدول (۹) رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه را به لحاظ شاخص پایداری نشان می‌دهد:

جدول ۹- رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ شاخص پایداری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

رتبه	میانگین	روستا
۹	۴۲۵/۳۴	خرمده غربی
۱۵	۳۳۸/۷۰	محمدآباد
۱۲	۳۸۲/۶۳	عشق‌آباد
۱	۹۳۵	ارناوه
۶	۴۴۸/۷۶	کوشکی ترکمن
۸	۴۳۵/۴۳	دشتک سفلی
۴	۵۰۲/۳۰	علی‌آباد
۱۶	۳۲۵/۷۰	امین‌آباد
۷	۴۳۶	میرزاعباس
۱۴	۳۵۲/۴۶	چهارباغ
۱۰	۴۱۸/۱۷	الله‌قلی
۵	۴۶۸/۸۶	حاج حسین
۱۱	۴۰۵/۷۳	خرتوت
۱۳	۳۴۸/۴۳	چهل‌گذر
۳	۵۴۲/۰۴	یموق
۲	۶۱۴/۸۸	کهنه‌جلگه

سطح‌بندی روستاهای مورد مطالعه از نظر شاخص پایداری در جدول (۱۰) نشان داده شده

است:

جدول ۱۰- سطح‌بندی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ شاخص پایداری برحسب تحلیل خوشه‌ای

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

شرح	سطح پایداری روستاهای نمونه
سطح پایداری بالاتر	ارناوه
سطح پایداری متوسط	علی‌آباد قره‌چای، یموق، کهنه‌جلگه
سطح پایداری پایین‌تر	خرمده غربی، محمدآباد، عشق‌آباد، کوشکی ترکمن، دشتک سفلی، امین‌آباد، میرزاعباس، الله‌قلی، چهل‌گذر، چهارباغ، خرتوت، حاج‌حسین

با توجه به نتایج حاصل از جدول بالا می‌توان گفت به لحاظ آمار استنباطی، بین استرس زنان روستایی و شاخص پایداری خانوارهای روستایی و نیز بین استرس زنان روستایی و شاخص پایداری روستاهای نمونه رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. با این توصیف، با وجود همبستگی معکوس بین شاخص‌های ذکر شده، به نظر می‌رسد با افزایش استرس زنان روستایی، میزان پایداری خانوارهای روستایی و پایداری روستاهای مورد مطالعه کاهش می‌یابد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که:

۱. با توجه به نتایج حاصل، گروه استرس‌های اجتماعی با ۴۵٪، بیانگر تأثیرگذاری بیشتر بر استرس جامعه آماری است. با توجه به اینکه واحد تحلیل در پژوهش حاضر زنان می‌باشند و این قشر جامعه بیشتر با مسائل اجتماعی- فرهنگی و روانی درگیر هستند، بنابراین نتایج به دست آمده از فرضیه نخست مبنی بر اینکه عوامل اجتماعی مهم‌ترین عامل مؤثر در استرس زنان در منطقه مورد مطالعه هستند، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد؛ اگرچه نمی‌توان تأثیر عوامل اقتصادی و محیطی را نیز نادیده گرفت. از آنجایی که ۹۴٪ از زنان نمونه خانه‌دار می‌باشند و

فارغ از تأمین هزینه خانوار هستند و همچنین، مسؤولیت مستقیم در امور و مخارج زندگی ندارند، در مقایسه با مردان، بیشتر از عامل اجتماعی متأثر هستند. در واقع، از یک سو، آگاهی و احساس نابرابری از بعد روانی و از سوی دیگر، پیچیده‌تر شدن روابط براساس توسعه‌یافتگی و احساس کمبود و وجود نیازهای جدید به همراه کمبود شغل، بیکاری فرزندان و احساس ترس از شغل آینده برای فرزندان در این جوامع، استرس اجتماعی را بیش‌ازپیش پررنگ کرده است. در مطالعه‌ای که شاهسوندی‌الاصل در سال ۱۳۸۴ بر روی استرس کشاورزان استهبان انجام داده، نشان داده است که بیشترین استرس در کشاورزان استهبان پس از عامل محیطی، مربوط به عامل اقتصادی می‌شود؛ بنابراین، می‌توان گفت به لحاظ قرارگیری این دو جنس در مدیریت زندگی و تأمین هزینه‌های خانوار در جامعه روستایی عموماً توسط مردان، زنان بیشتر از عامل اجتماعی و مردان از عامل اقتصادی متأثر هستند؛

۲. از بین عوامل مکانی - فضایی و برخی از شاخص‌های زمینه‌ای مرتبط با عوامل اجتماعی که در پژوهش حاضر بررسی و مطالعه شدند، عوامل جمعیت، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل با تنش روانی زنان رابطه معناداری دارد. بر طبق نظریه‌های مربوط به تأثیر متقابل انسان و محیط به‌ویژه نظریه ترکیب فضا از بیل هیلیر (رایجیان و عامری‌سیاهویی، ۱۳۸۷: ۱۲۹) و نظریه منطقه پایدار (همان: ۳۵۴)، هرچه در یک منطقه جمعیت افزایش می‌یابد، تنش، جرم و آثار ناشی از آن نیز بیشتر می‌شود و این عامل خود به تنهایی می‌تواند زمینه احساس ناامنی، تنش روانی و استرس را در جامعه فراهم نمایند؛

۳. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، با کاهش سطح پایداری روستاها میزان استرس زنان روستایی افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین، هرچه روستاها از نظر شاخص‌های پایداری، توسعه‌یافته‌تر باشند، احساس آرامش روانی، ثبات فکری و شخصیتی افراد جامعه بیشتر می‌شود؛

۴. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان استنباط نمود که روستاهای با پایه‌های اقتصادی نسبتاً بهتر، امکانات و خدمات بیشتر، جمعیت بیشتر و ... نسبت به سایر روستاها استرس بیشتری را نیز تجربه می‌کنند و برعکس، روستاهای کم جمعیت با ضعف پایه‌های اقتصادی و خدمات

بسیار کم، استرس کمتری دارند. در تحلیل این وضعیت می‌توان چنین گفت که میزان استرس در جامعه مورد مطالعه از یک سو با سطح آگاهی و دانش افراد در ارتباط مستقیم است و از سوی دیگر با سطح توسعه‌یافتگی روستاها ارتباط دارد؛ به این صورت که هرچه سطح دانش و آگاهی افراد نسبت به میزان دارایی‌ها و امکاناتشان بیشتر می‌شود، استرس بیشتری را نیز تجربه می‌کنند و همچنین، هرچه سطح توسعه‌یافتگی روستاها بیشتر می‌شود، روستاییان بیشتر احساس محرومیت نسبی و در نتیجه، ناامنی و تنش روانی می‌کنند. امروزه نفوذ و اثرات شهری، زندگی روستاییان را دگرگون کرده است؛ به طوری که احساس نابرابری بین شهر و روستا، احساس خود کم‌بینی و ... باعث شده‌اند تا روستاییان بیش‌ازپیش خلأ ناشی از کمبود امکانات و خدمات رفاهی و زرق‌وبرق مناطق شهری را در روستا احساس کنند و در چالش برای داشتن رفاه و توسعه‌یافتگی بیشتر، تنش و استرس بیشتری را نیز تجربه کنند که در موارد زیادی پناه‌آوردن به شهر و پدیده شهرگرایی را تنها راه رسیدن به آرامش می‌بینند.

کتابنامه

۱. باباخانی، م. (۱۳۸۷). «توسعه اقتصادی، نابرابری درآمدی و سلامت در ایران: ۱۳۸۵-۱۳۵۵». فصلنامه رفاه اجتماعی، ۷ (۲۸): ۲۵۹-۲۳۹.
۲. رایجیان اصلی، م. و عامری سیاهویی، ح. (۱۳۸۷). «طراحی عاری از جرم: ایجاد مناطق امن و پایدار». تهران: انتشارات میزان.
۳. سروش مهر، ه.؛ رفیعی، ح.؛ کلانتری، خ. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۹). «بررسی پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان)». دانشنامه علوم اجتماعی، ۱: ۱۶۶-۱۴۳.
۴. شاهسوندی‌الاصل، ا. (۱۳۸۶). «ارزیابی عوامل استرس‌زای کشاورزان روستایی و تحلیل تفاوت‌های فضایی و مکانی آن (نمونه موردی: کشاورزان روستایی شهرستان استهبان)». کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس: تهران.

۵. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). «*شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان مانه و سملقان در سال ۱۳۸۵*». تهران: مرکز آمار ایران.

6. Bachrach, L. L. (1983). "*Psychiatric Services in Rural Areas: A Sociological Review*". Hospital and Community Psychiatry, 34(3): 215–226.
7. Bachrach, L. L. (1985). "*A Sociological Perspective*". Psychiatric Services for Underserved Rural Populations. New York: Brunner/Mazel.
8. Berhane, Y.; Gossaye, Y.; Emmelin, M. & Hogberg, U. (2001). "*Women's Health in a Rural Setting in Societal Transition in Ethiopia*". Journal of Social Science & Medicine, 53:1525-1539.
9. Boyd, C. P. & Parr, H. (2008). "*Social Geography and Rural Mental Health Research*". Journal of Rural and Remote Health 8: 1-5.
10. Brannen, C.; Emberly, D. J. & McGrath, P. (2009). "*Stress in Rural Canada: A Structured Review of Context, Stress Levels, and Sources of Stress*". Journal of Health & Place, 15: 219-227.
11. Draak, M. D. (2005). "*An Introduction to Medical and Health Geography*". London: Population Research Centre.
12. Gregoire, A. & Thornicroft, G. (1998). "*Rural Mental Health*". Psychiatric- Bulletin, 22(5): 273–277.
13. Howton, K.; Simkin, S.; Malmberg, A.; Fagg, J. & Harris, L. (1998). "*Suicide and Stress in Farmers*". London: The Stationary Office.
14. Jacob, S.; Bourke, L. & Luloff, A. E. (1997). "*Rural Community Stress, Distress, and Well-being in Pennsylvania*". Journal of Rural Studies, 13(3): 275-288.
15. Lipscomb, H. J.; Dement, J. M.; Epling, C. A.; Gaynes, B. N.; McDonald, M. A. & Schoenfisch, A. L. (2007). "*Depressive Symptoms among Working Women in Rural North Carolina: A Comparison of Women in Poultry Processing and Other Low-Wage Jobs*". Journal of Law and Psychiatry, 30: 284-298.
16. Lobley, M.; Johnson, G.; Reed, M.; Winter, M. & Little, J. (2004). "*Rural Stress Review*". London: Center for Rural Research. University of Exeter.

17. Lorenz, F. O.; Conger, R. D.; Montague, R. B. & Wickrama, K. A. S. (1993). *"Economic Conditions, Spouse Support and Psychological Distress of Rural Husbands and Wives"*. Journal of Rural Sociology, 58 (2): 247-268.
18. Murry, V. M.; Harrell, A. W.; Brody, G. H.; Chen, Y. F.; Simons, R. L.; Black, A. R.; Cutrona, C. E. & Gibbons, F. X. (2008). *"Long-Term Effects of Stressors on Relationship Well-being and Parenting among Rural African American Women"*. Journal of Family Relations, 57: 117-127.
19. Philo, C.; Parr, H. & Burns, N. (2003). *"Rural Madness: A Geographical Reading and Critique of the Rural Mental Health Literature"*. Journal of Rural Studies, 19: 259-281.
20. Price, C. (1997). *"Sustainable Development and Health: Concepts, Principles and Framework for Action for European Cities and Towns"*. European Sustainable Development and Health Series. Book 1 (1). Paris: OMS.
21. Price, L. & Evans, N. (2009). *"From Stress to Distress: Conceptualizing the British Family Farming Patriarchal Way of Life"*. Journal of Rural Studies, 25: 1-11.
22. Rohrer, J. E.; Border, T. F. & Blanton, J. (2005). *"Rural Residence Is not a Risk Factor for Frequent Mental Distress: A Behavioral Risk Factor Surveillance Survey"*. Journal of BMC Public Health, 5(46): 1-6.
23. Scott, E. (2009). *"Stress: How it Effects Your Body, and How You Can Stay Healthier"*. Medical Review Board.
24. Scott, K.; Park, J. & Cocklin, C. (2000). *"From Sustainable Rural Communities to Social Sustainability Giving Voice to Diversity in Mangakahia Valley, New Zealand"*. Journal of Rural Studies, 16: 433-446.
25. Turner, H. A. (2007). *"The Signification of Employment for Chronic Stress and Psychological Distress among Rural Single Mothers"*. American Journal of Community Psychology, 40: 181-193.
26. Watson, D. & Pennebaker, J. W. (1989). *"Health Complaints, Stress, and Distress: Exploring the Central Role of Negative Affectivity"*. Psychological Review, 96(2): 234-254.